

درآمدی بر شاخص‌های آینده‌پژوهی حکومت

کد موضوعی: ۳۲۰

شماره مسلسل: ۱۳۸۴۰

مردادماه ۱۳۹۳

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۳.....	مقدمه.....
۵.....	فصل اول - مفاهیم و اصول آینده پژوهی.....
۲۲.....	فصل دوم - آینده پژوهی و سیاستگذاری.....
۳۱.....	فصل سوم - شاخص های آینده پژوهی حکومت.....
۳۹.....	نتیجه گیری.....
۴۱.....	منابع و مآخذ.....



درآمدی بر شاخص‌های آینده‌پژوهی حکومت

چکیده

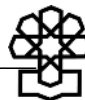
درست‌ترین و هوشمندانه‌ترین رویکرد انسان امروز آماده شدن برای مواجهه و رویارویی با آینده است. بشر سعی دارد با شناخت بهتر آینده به استقبال آن برود و آن را مشایعت کند. خواه‌ناخواه، آینده آمیخته و سرشار از عدم قطعیت و ناپایداری است. با وجود این دقیق‌ترین برنامه‌ریزی‌ها نیز می‌توانند در گیرودار اجرایی شدن، از مسیر راستین خود منحرف و در پیمودن مسیر به سوی آینده، با پیشامدهای ناگهانی روبرو شوند، اما با این حال می‌کوشند که برای آینده و رویارویی با عدم قطعیت‌های نهفته در آن، آمادگی یابند. این همان تلاش پیوسته و دامنه‌داری است که در زندگی روزمره خود، به شیوه‌ای کم‌وبیش شگفت‌انگیز و هوشیارانه به کار می‌بندند. بشر در زندگی روزانه خود همان‌گونه که کوشش می‌کند آینده را تا سرحد امکان، مهار و مدیریت کند؛ باید در سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برنامه‌ریزی داشته باشد تا بهتر بتواند آینده را مدیریت کند و در این راه، نه تنها خود را با آنچه گمان دارد در آینده روی خواهد داد، سازگار خواهد کرد، بلکه تلاشی دوچندان را به کار می‌برد تا شرایطی را رقم بزند که دلخواه و مطلوب همه باشد.

محور اصلی آینده‌پژوهی پرداختن به آینده پُرابهام و تلاش در راستای ساختن آن است. آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی فرارشته‌ای، برای نیل به این هدف خطیر همچون سایر

علوم، نیازمند ابزار و ادوات خاص است. این دانش نو، روش‌های خود را از سایر علوم با قدمت بیشتر که یقیناً مراحل رشد و بالندگی خود را به خوبی سپری کرده‌اند، به عاریه گرفته و متناسب با نیاز خود بازآفرینی کرده است. شاخص‌های آینده‌پژوهی به محقق و سایر متخصصان حوزه‌های مختلف علمی کمک می‌کند تا درک درست‌تری از آینده‌های محتمل متصور شوند و از این گذار بتوانند تصمیمات بهتری را در راستای حصول آینده مطلوب در زمان حال اتخاذ کنند. در دنیایی آکنده از عدم قطعیت‌ها، شاخص‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی به دنبال به حداقل رساندن عدم اطمینان‌ها و از این طریق تا جایی که ممکن است از رمز و راز آینده گره بگشایند و توان بشر را در انتخاب آینده‌های دلخواه به حداکثر برسانند. آینده‌پژوهی نیز همچون تمام علوم دارای ارکان و سطوح تکاملی است که با گذشت زمان شکل گرفته و امروزه از چنان قوام و انسجامی برخوردار است که تحت عناوین دانشی نوین، به سرعت در حال اشاعه و گسترش است.

جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده است. تغییرات، پنهان، غافلگیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم‌توجهی به آن می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد تلاش برای معماری آینده است. اگرچه این تلاش همواره با خطرپذیری فراوان قرین بوده است، اما به هر حال پذیرش این مخاطره به مراتب عاقلانه‌تر از نظاره‌گر بودن تغییر و تحولات آینده است.

آینده فضایی خالی یا قلمرویی ناشناخته - که عموماً چنین پنداشته می‌شود - نیست. آینده محتوایی ملموس دارد که می‌توان آن را کاوید، به تصرف خود درآورد، تصویر و ترسیم



و حتی خلق کرد. یعنی آینده را نمی‌توان پیشگویی کرد و هیچ واقعیت مطلقى در مورد آینده وجود ندارد. بنابراین بهتر است که آینده را در حوزه معرفت و دانش تفسیری دانست. امروزه حکومت‌های پیشتاز و مهم خودشان را به سازمان‌های چابک، کارآمد، خوش‌نما و فن‌محور تبدیل می‌کنند که اصطلاحاً به آنها «حکومت‌های سریع» گفته می‌شود. این حکومت‌ها خدمات عمومی جدید را بسط می‌دهند، به‌طور مؤثر نیازهای شهروندان را تأمین می‌کنند، از منابع نادر و کمیاب طبیعی حفاظت می‌کنند و ارزش‌های عمومی جدیدی را خلق و ایجاد می‌کنند. از سویی اگرچه چارچوب زمانی برای اکثر تصمیمات ممکن است خیلی کوتاه باشد، ولی حکومت‌های سریع، ارزش‌های حکومت مرکزی از قبیل شایستگی و لیاقت، برابری و انصاف، نظارت و تعادل، مسئولیت و صلاحیت اعمال قدرت را نادیده نمی‌گیرند.^۱

مقدمه

آینده‌پژوهی یا آینده‌شناسی را می‌توان علم آینده نیز نامگذاری کرد. آینده‌پژوهی، نوعی دوراندیشی است که سعی دارد تغییرات امروز را به واقعیات فردا تبدیل و بررسی کند که آیا احتمال و امکان تغییرات مورد نظر وجود دارد یا خیر؟ آینده‌پژوهی درصدد است تا منابع، الگوها و دلایل تغییر یا ثبات یک مسئله را به منظور توسعه آینده‌نگری و گسترش دامنه دوراندیشی بررسی کند و انتخاب‌ها و احتمالات مختلف را در نظر بگیرد. به بیان ساده‌تر، آینده‌پژوهی مبتنی بر احتمال، امکان و علاقه به تغییر در زمان حال برای رسیدن به وضعیت

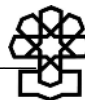
۱. این گزارش نخستین پژوهش درباره آینده‌پژوهی حکومت است که این موضوع در گزارش‌های بعدی با تفصیل بیشتری دنبال خواهد شد. البته پیش‌تر چند گزارش درباره شاخص‌های کارآمدی حکومت اسلامی تهیه و ارائه شده که مطالعه آنها در توجیه این گزارش کمک‌کننده خواهد بود.

مطلوب و دلخواه در آینده است. همانگونه که پژوهش‌های تاریخی (گذشته‌پژوهی)، به دنبال شرح حوادث و اتفاقات گذشته و کشف دلایل رخ دادن آنهاست، آینده‌پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته زمان حاضر و امکان رخدادهای آینده است. بنابراین در آینده‌پژوهی باید تمام احتمالات وقوع یک حادثه (خوب یا بد) در آینده را با دقت تمام سنجید.

جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویای شتابنده است که در آن، تغییرات، پنهان، غافلگیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند و کوچک‌ترین کم‌توجهی به آنها می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد تلاش برای معماری آینده است. اگرچه این تلاش همواره با خطرپذیری فراوان قرین بوده است، اما به هر حال پذیرش این مخاطره به مراتب عاقلانه‌تر از نظاره‌گر بودن تغییر و تحولات آینده است.

تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، زندگی انسان را هر روز دستخوش تغییرات بنیادین و بسیار سریع می‌سازند. این نو شدن‌های هر روزه باعث می‌شود که انسان نیازی دائمی برای تغییر وضعیت خود در جهت همسو شدن با تغییرات بیرونی و انطباق یافتن با این تغییرات را احساس کند تا از قافله انسانی عقب نماند. این نیاز باعث شد تا روش‌های گوناگون پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده پیدا شوند و گسترش یابند. اما همه این روش‌ها موفقیت یکسانی در کمک به رفع نیازها نداشته و بعضی به مرور زمان منسوخ شده‌اند.^۱ واقعیت دشوار دیگری که باید با آن روبرو شد آن است که با وجود افزایش مطلوبیت ابزارهای پیش‌نگری، مسئله پیش‌بینی آینده سخت‌تر و دشوارتر شده است. ماهیت

1. Bood, R.P. and Postma, T., (1998), "Scenario Analysis as a Strategic Management tool". Research Report Som 9805, University of Groningen.



تغییر خود دچار تغییر شده و تغییر با گذشت هر سال سریع تر و پیچیده تر شده است.^۱ بشر در طول تاریخ همواره براساس کشف درونی، شیفته کشف آینده و رمزگشایی آن بوده است. این سؤال‌ها که «آیا آینده قابل تغییر است؟»، «آیا آینده تداوم حال و گذشته خواهد بود؟»، و «چه اتفاقاتی ممکن است در آینده روی دهد؟» تاکنون چالش عمده فکری برای مدیران و برنامه‌ریزان بوده است. آنان رویکردهای مختلفی برای رویارویی با مسائل آینده به کار بسته‌اند که اغلب برپایه تحلیل روندهای گذشته و ادامه آن در آینده بوده است، اما در آغاز هزاره سوم، علم آینده‌پژوهی، بررسی‌ها و پژوهش‌های پراکنده و غیرمنسجم در حوزه برنامه‌ریزی برای آینده را به علم مدون با اصول و مبنای استوار و روش‌های دقیق تبدیل کرده که با به‌کارگیری آن می‌توان علاوه بر تحلیل روندهای گذشته به کشف، ابداع و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب نیز دست یافت.^۲

فصل اول – مفاهیم و اصول آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی چیست؟

امروزه مطالعات مربوط به آینده با عناوین مختلفی مانند آینده‌پژوهی،^۳ مطالعات آینده،^۴ آینده‌اندیشی^۵ و آینده‌نگاری^۶ پیگیری می‌شوند. بر این اساس توافق کاملی میان

1. Wilson, I., (2000), "From Scenario to Strategic Action". Technological Forecasting and Social Change, 65(1), 23-29.

2. Godet, M., (2006), "Creating Futures: scenario planning as a strategic management tool", France: Economic publish.

3. Future Research

4. Futures Studie

5. Future Thinking

6. Foresight

متخصصان در مورد مناسب‌ترین واژه که بتواند به‌عنوان نام این رشته مطالعاتی معرفی شود، وجود ندارد. مطابق با تعریف وندل بل^۱ آینده‌پژوهی عبارت است از: «بررسی دیدگاه‌ها و مطالعه نظام‌مند آینده‌های جایگزین به‌منظور کمک به مردم در انتخاب و خلق مطلوب‌ترین آینده. آینده‌پژوهان ترکیب‌های مختلفی از دانش گذشته، دانش حال، تخیل، امیال و نیازها را برای دسترسی به این هدف به کار می‌گیرند. علاوه بر این، آینده‌پژوهان سعی دارند تا پیامدهای پیش‌بینی نشده، ناخواسته و تشخیص داده نشده فعالیت‌های اجتماعی را کشف کنند».^۲

آرمان پژوهش و کنترل آینده به کلی‌ترین معنای آن، به خودی خود می‌تواند بزرگی و گستردگی مسائل پیش رو را به ذهن متبادر کند. طبیعی است که پروژه‌هایی که آینده‌پژوهان با آنها مواجه‌اند، معمولاً از حوزه یک علم یا تخصص خارج هستند. مثلاً در یک پروژه نوعی آینده‌پژوهی ممکن است کارشناس محیط زیست، جامعه‌شناس، فیزیک‌دان و ... همزمان حضور داشته باشند. کار گروهی به اذعان خود آینده‌پژوهان، یک کار تیمی و بین‌رشته‌ای با کمک تمام این متخصصان است.

وندل بل این واقعیت را در عبارات بسیار متعدد و متنوعی توصیف کرده است. «...آینده‌پژوهان تمایل به جستجو برای یک بازسازماندهی دانش [بشری] و عبور از مرزبندی‌هایی دارند که ساختار سنتی و دانشکده‌ای دانشگاه‌ها پدید آورده است و به یک مانع جدی و بازدارنده برای تصمیم‌سازی و کنش عقلانی تبدیل شده است. یک مثال قضیه وجود بیست نوع متخصص پزشکی است که هرکدام در درمان بخش خاصی از بدن - چشم، پوست، استخوان، قلب - مهارت دارند، درحالی که هیچ‌کدام از آنها

1. Wendell Bell

2. Bell, W.(1997), Foundation of Futures Studies. New jersey: Transaction Publishers. Vol.1.



نگران سلامت بیمار به عنوان یک کل نیستند».^۱

آینده‌پژوهی شاخه‌ای از علم و فناوری است که با کشف و طراحی آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب سروکار دارد. آینده‌پژوهی سیاست‌ها را تثبیت نمی‌کند، بلکه به تعدیل آن کمک می‌کند تا در مقابل تغییرات شرایط زمانه؛ مناسب‌تر، انعطاف‌پذیرتر و مقاوم‌تر باشند.^۲

مزایای عمومی آینده‌پژوهی

الف) ایجاد آمادگی در برابر آینده‌های ممکن: انسان با استفاده از تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات می‌تواند جامعه، سازمان یا گروه خود را برای آینده مجهز کند. در این حالت می‌تواند فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده و در برابر آن یا برای به دست آوردن آنها برنامه‌ریزی کند.^۳

ب) کسب نمای کلی از آینده‌های در حال ظهور: انسان با استفاده از آینده‌پژوهی می‌تواند تحولات آینده را در زمان حال شناسایی کرده و نسبت به آنچه که در حال ظهور و به وقوع پیوستن است، اطلاعات و دانش بیشتری کسب کند.^۴

ج) دریافت و درک زودهنگام هشدارها: علاوه بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها،

1. Bell, Wendell,(2003) "Foundations of Futures Studies". New Brunswick-New jersey, Transaction Publisher.

2. Ged.Davis, (1997), Scenarios: Thinking and Action on the Future, London: Shell.

3. Gavigan, P. James and Fabian Scapolo.(1999), Matching Methods to the Mission: A Comparison of National Foresight Exercises, Foresight , vol. 1,no.6,December.

4. Helm, Ruud van der.(2005), The Future According to Fredrik Lodewijk Polak: Finding the Roots of Contemporary Futures Studies Futures, vol 37, issue 6,august,P505- 519.

آینده‌پژوهی انسان را نسبت به درک زود هنگام این حوادث یاری می‌رساند.^۱

د) کسب اعتماد به نفس: بعد از یادگیری فرآیند آینده‌پژوهی به دلیل این که گستره وسیعی از حوادث و اتفاقات آینده را بررسی کرده و نسبت به آنها اقدامات لازم را مدنظر قرار داده، از اعتماد به نفس بالایی برخوردار خواهد بود.^۲

ه) ایجاد تعادل بین اهداف مختلف: اگر انسان دقایقی را برای تفکر نسبت به آینده در زمان حال صرف کند می‌تواند از ذهنیت دلخوش بودن به زمان حال و به تعویق انداختن نگرانی درباره آینده رهایی یابد. در این حالت بین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود یک نوع تعادل ایجاد می‌کند.^۳

و) کسب اطلاعات نسبت به نیروهای مؤثر: از مزایای دیگر آینده‌پژوهی می‌توان به کسب اطلاعات درباره نیروها و عوامل مؤثر در زندگی شخصی یا سازمانی و حتی زمینه‌های بزرگ‌تر اشاره کرد. شناسایی این نیروها و عوامل در فهم و درک آینده بسیار ضروری است.^۴

ز) سازگاری با تغییرات: فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در زمینه فعالیت‌های شخصی و سازمانی، انسان را نسبت به تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و می‌تواند برنامه‌ریزی کرده و خود یا سازمان را در برابر آنها آماده کند و به یک نوع سازگاری با تغییرات دست یابد.^۵

-
1. Chermack, Thomas J.(2005), The Role of Systems Theory in Scenario Planning, Human Resource Development Review.
 2. Baldock, Robert.(1999), Destination to z, the History of the Future, new york: john Wiley and sons
 3. Helm, Ruud van der.(2005), The Future according to fredrik Lodewijk polak: Finding the Roots of contemporary futures studies Futures, vol 37, issue 6,august,P505- 519.
 4. Ged.Davis, (1997), Scenarios: Thinking and Action on the Future, London: Shell.
 5. Ged.Davis, (1997), Scenarios: Thinking and Action on the Future, London: Shell.



ح) کمک به ابداع راه‌حل‌های نو: آینده‌پژوهی کمک می‌کند با ایجاد دیدگاهی وسیع‌تر بهره‌گیری از امکانات و غلبه بر چالش‌ها، ایجاد شوند.^۱

اهداف و کاربردهای مطالعات آینده‌پژوهی

۱. تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتند و براساس آینده‌شناسی قابل پیش‌بینی‌اند.
۲. مطالعه و تحقیق درخصوص رشد فناوری در آینده و بهره‌گیری از آنها به منظور دستیابی به مرزهای دانش و هدایت این دانش به سمت انجام تحقیقات بنیادی.
۳. جهت‌دهی فناوری‌های آینده به منظور دستیابی به اهداف ملی و کلان کشور.
۴. پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده.
۵. تقویت ملت‌ها برای انتخاب و انجام پذیرفتن مسئولیت درحال حاضر، برای خلق آینده. در این خصوص باید افراد دریابند که آنها در حال ایجاد آینده‌ای هستند که در آن زندگی و کار می‌کنند.
۶. پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر.
۷. ایجاد آینده‌ای برتر و مطلوب که احتمال وقوع آن بیشتر است.
۸. پدید آوردن نگرشی سیستماتیک و منظم و منطقی به تحولات آینده که در زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارد.^۲

1. Ford, D.N.& J.D.(1998), Sterman. Expert Knowledge Elicitation to Improve formal and Mental Models, system Dynamics Review,14(4).

2. Lind, G. Smoker.(1997), Introduction to Future Studies Scud.Edu.

گام نهادن به سوی آینده‌شناسی علمی

آینده‌شناسی از دیرباز تاکنون مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده است و آینده‌شناسی را می‌توان به‌عنوان علمی نو در جهان قلمداد کرد. با پیچیده‌تر شدن مسائل جامعه و با افزایش بحران‌ها علاقه به آینده‌شناسی نیز افزایش یافته است. اینک انسان‌ها باید با تلاشی آگاهانه به سویی حرکت کنند که نه تنها آینده را بشناسند، بلکه آن را بسازند. در نگاه دیگر آینده‌شناسی و آینده‌سازی در همه علوم، پیش‌بینی بخشی از ثمرات شناخت است و گزاره‌های علمی پیش‌بینی را در خود نهفته دارند. در صورت عنایت به جامعه‌شناسی، علم سیاست، علم اقتصاد و مدیریت در آینده‌نگری دچار ساده‌نگری یا تعصب‌های گوناگون نخواهیم شد. برای تمییز روش‌های نوین آینده‌شناسی از روش‌های کهن معیارهای درست را خواهیم یافت و آینده‌شناسی صورت و سیرت یک علم بی‌طرف را خواهد یافت که وسیله‌ای نیرومند در دستان هر آینده‌پرداز و هر آینده‌سازی خواهد بود.^۱

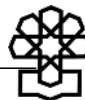
آینده‌های بدیل^۲

آینده‌های بدیل از نگاه بسیاری، مفهوم محوری آینده‌پژوهی به شمار می‌رود. این باور که افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها در مسیری از پیش مقدر، به سوی آینده‌ای واحد و یگانه قرار ندارند؛ بلکه آنان با به کارگیری قوای آینده‌نگری و تصمیم‌گیری خود می‌توانند آینده‌ای را از میان گستره وسیعی از مسیرهای منتج به آینده و پیامدهای آن برگزینند.^۳

1. Slaughter, R. (1996). "New Thinking for a New Millennium j. Dator. chapter4:" Futures studies as Applied Knowledge" Routledge.

2. alternative Futures

3. Slaughter, A. Richard,(2005)," Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.



برتراند دو ژوونل (۱۹۶۷) معتقد است: اگرچه ما نمی‌توانیم آینده را بشناسیم، اما حدس و گمان در مورد آینده هم معقول و هم ضروری است. در حقیقت ما بیشتر ابعاد (آینده) را به‌عنوان امری شناخته شده تلقی می‌کنیم، اگر این امر میسر نبود ما نمی‌توانستیم هرگز هیچ طرح و پروژه‌ای را طراحی کنیم. دو ژوونل مفهوم آینده‌های بدیل را معرفی کرد. این مفهوم آینده‌های بدیل بسیاری از روش‌ها و اعمال آینده‌پژوهی را تعیین می‌کند و پایه و اساسی برای روش سناریوسازی است.^۱

مفروضات آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری

وندل بل، استاد دانشگاه یل،^۲ در کتابش تحت عنوان اساس آینده‌پژوهی (۱۹۹۷) هم نظریه و هم روش‌های آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی را مرور می‌کند و هم نگاه عمیقی به اخلاق و فلسفه این رشته دارد. بل در این کتاب ۹ پیش‌فرض کلیدی و سه پیش‌فرض کلی را پیشنهاد و مطرح می‌کند که به‌طور فرضی آغازگر یک پایه و اساس تئوریک برای آینده‌پژوهی است. از این دوازده پیش‌فرض، چهار پیش‌فرض بسیار مهم و اساس آینده‌های بدیل به‌شمار می‌روند.

این مفروضات عبارتند از:

۱. آینده روشن و واضح نیست و نمی‌توان آن را مشاهده کرد؛ بنابراین در این جا هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد.
۲. آینده به‌طور کامل از پیش تعیین شده نیست.
۳. تا درجه‌ای کم‌وبیش نتایج و پیامدهای آینده می‌تواند به وسیله کنش جمعی و

1. Wheelwright, R.V.(2005), Personal Futures: Foresight & Futures Studies for individual. Printed in Harlingen,texas.

2. Yale

فردی تحت تأثیر قرار گیرد.

۴. بعضی از آینده‌ها بهتر از دیگر آینده‌ها هستند.^۱

آینده‌پژوهی انتقادی^۲

رویکردی به آینده مبتنی بر «کاوش در اعماق»؛ در این رویکرد، بررسی از سطح تجربی فراتر رفته و به ابعاد فرهنگی، نمادشناختی و زبان‌شناختی می‌پردازد. در این سطح از بررسی، مفاهیم و پیش‌فرض‌ها به صورت فعالانه‌ای چارچوب‌بندی می‌شوند. در نتیجه این بررسی‌ها در دیدگاه‌های تفسیری کاربرد می‌یابند. این رویکرد اشاره بر آن دارد که معضلات جهانی بدون دستیابی به درک عمیق این پدیده‌ها هیچ‌گاه نه به درستی فهمیده می‌شوند و نه می‌توان آنها را حل کرد. بنابراین، وجه انتقادی این رویکرد صرفاً به معنای «نقد» کردن نیست؛ بلکه بیشتر به معنای «نگاه عمیق‌تر» به رویدادهاست.^۳

آینده‌نگاری^۴

یک ظرفیت بشری عام که فرد را قادر می‌سازد تا در باب آینده بیان‌دیشد و احتمالات آینده را بررسی، مدلسازی و خلق کرده و در مقابلش واکنش نشان دهد. این توانایی برپایه توانایی‌های روش‌های پیچیده ادراک که کارکرد تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده دارند بهره می‌برد. این مدل تقریباً در کارهای روزمره این‌چنینی مورد استفاده قرار می‌گیرد: رانندگی، عبور از خیابان شلوغ، برنامه‌ریزی برای تعطیلات. آغازگاه و نقطه حرکت دامنه وسیعی از

1. Bell, W.(1997), Foundation of Futures Studies. New jersey: Transaction Publishers. Vol.1

2. Critical Futures Study

3. Slaughter, A. Richard.(2005),” Glossary of Futures Terms”, Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

4. Foresight



روش‌شناسی‌های آینده‌شناسی، توسعه‌های سازمانی و نوآوری‌های اجتماعی.^۱

اصل آینده‌نگاری^۲

دیدگاهی که براساس آن آینده‌نگری ضرورت ساختاری به‌شمار می‌رود. این دیدگاه در خلال قرن بیستم به وجود آمد و براساس آن هرگونه پیشرفت اجتماعی آتی ضرورتاً باید از آینده‌نگری - در قیاس با گذشته - به شکل نظام‌مندی بهره‌جوید. به بیان ساده‌تر، لحظه «اکنون» و شرایط فعلی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ابعاد و کاربردهای آتی آن به درستی درک کرد؛ امری که فقط از طریق آینده‌نگاری محقق می‌شود.^۳

- **آینده‌نگاری:** گروه کاری اتحادیه اروپا آینده‌نگاری را به صورت تمامی فعالیت‌های مربوط به تفکر درباره آینده، بررسی آینده و شکل دادن به آینده تعریف می‌کند.^۴

آینده‌نگاری اهدافی را برای پژوهشگران خود مشخص کرده است که این اهداف عبارتند از:

۱. **تعیین جهت:** آینده‌پژوهی خطوط راهنما و گستره‌ای را در زمینه سیاست علمی و توسعه مجموعه‌ای از گزینه‌ها در اختیار محققان قرار می‌دهد تا چراغ راهی در سمت‌گیری‌ها باشد.

۲. **هوشمندی پیشگویانه:** شناسایی روندهای در حال ظهور که بر روی

1. Slaughter, A. Richard, (2005), "Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

2. Foresight Principle

3. Slaughter, A. Richard, (2005), "Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

4. (HLEG) High level Expert Group (2002), Thinking The Future: Final Report. www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf.

خط‌مشی‌های آینده تأثیر می‌گذارند.

۳. توافق‌سازی: افزایش موافقت بیشتر بر روی اهداف یا نیازهای شناخته شده در

میان مدیران، کارگزاران و خبرگان کشور و دیگر کاربران، سطح هزینه‌ها و اصطکاک‌ها را کاهش می‌دهد.

۴. حمایت‌مندی: ارتقای تصمیمات و خط‌مشی‌های هماهنگ، متناسب با ترجیح

منافع همگانی در سیستم، به تعیین شرایط و حمایت از تلاش‌ها یاری می‌رساند.

۵. تمرکز آموزش: لازمه هرگونه مدیریت در دستیابی به اهداف آینده‌نگر،

بهره‌گیری از کاربران تحقیق و آموزش است که یکپارچه و در یک راستا حرکت می‌کنند.

۶. اولویت‌مندی: شاید مهمترین هدف آینده‌پژوهی و عامل محرکه اجزای

آینده‌نگاری، تعیین اولویت‌ها به معنای امکان انتخاب آگاهانه بین فعالیت‌ها و ترجیح دادن فعالیت مهمتر به کم‌اهمیت‌تر باشد.^۱

بنابراین با هدف‌مندی موصوف می‌توان آینده‌پژوهی را فرآیند کشف و درک

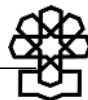
ضرورت‌ها و برنامه‌های آینده مطلوب تلقی کرد که با محاسبه الزامات و اقتضائات در نظام قدرت، مسیر توسعه و پیشرفت جوامع را با بهره‌گیری فرآیندهای علمی و شبیه‌سازی آن سیاستگذاری و هموار می‌کند.

آینده: ^۲ بُعدی از هستی بشر که در فراسوی لحظه «حال» او گسترش می‌یابد و

همچون اصلی در انجام اقدامات در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم، برخورداری از طرح، اهداف، نیات، غایات و مفاهیم را برای آدمی به همراه می‌آورد. می‌توان چنین پنداشت

1. Glenn, A. Basset, (1993), The Evolution and Future of High Performance Management Systems.

2. Future



که بدون بُعد آینده و این ظرفیت‌های فعال، «اکنون» از توان خویش «تهی» می‌شود و از توانایی حمایت و تقویت هرگونه کنش انسانی عاری می‌ماند. بنابراین آینده فضایی خالی یا قلمرویی ناشناخته - که عموماً چنین پنداشته می‌شود - نیست. آینده محتوایی ملموس دارد که می‌توان آن را کاوید، به تصرف خود درآورد، تصویر و ترسیم و حتی خلق کرد. آن را نمی‌توان پیشگویی کرد و هیچ واقعیت مطلقاً در مورد آینده وجود ندارد. بهتر است که آینده را در حوزه معرفت و دانش تفسیری دانست. این نکته در آینده،^۱ دوره آینده‌پویی^۲ و دورنمای تفسیر^۳ و^۴ مناسب‌تر روشن می‌شود.

پیرسون^۵ (۱۹۹۸) معتقد است: «حال» به سادگی تحقق تصمیماتی است که در گذشته گرفته شده است. ما می‌توانیم از آن لذت ببریم و آن را تجربه کنیم، اما ما نمی‌توانیم آن را تغییر بدهیم. هر عمل و کنشی که اکنون صورت می‌گیرد نتیجه کنش قبلی (اولیه) است، به هر حال اخیراً این عمل صورت گرفته است. این یک مرز تجربی است، ترکیب و تلفیقی از تجربه گذشته و برنامه‌ریزی آینده است. اما آینده جایی است که ما بقیه عمر و زندگی‌مان را سپری می‌کنیم و می‌توانیم - تا حدودی - آن را کنترل کنیم. این تنها قسمتی از زندگی‌مان است که می‌توانیم بر آن تأثیر بگذاریم. ما نیاز داریم گزینه‌ها و انتخاب‌هایی که بر روی ما باز است را بشناسیم و این که هر اتفاقی را چگونه و چطور تعیین کنیم. اگر شما به سرنوشت اعتقاد و باور دارید، آینده ثابت است، بنابراین چیزی وجود ندارد که شما بتوانید آن را انجام بدهید. ممکن است شما فقط

1. Future landscape

2. Future scanning

3. Future perspective

4. Slaughter, A. Richard, (2005), "Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

5. Pearson

برگردید و چیزی را که اتفاق افتاده بنگرید. اما آینده ثابت نیست. تعدادی از آینده‌ها خارج از کنترل ما و تعداد کمی کاملاً بر روی ما باز هستند، بیشتر آنها (آینده‌ها) میان این دو واقع شده‌اند.^۱

دتور^۲ معتقد است که آینده از رابطه متقابل چهار عنصر شکل می‌گیرد، این چهار عنصر عبارتند از:

• **رویدادها:** رویدادها باعث می‌شوند مردم درباره اثر، کارایی و سودمندی تفکر در مورد آینده شک و تردید کنند.

• **روند:** آینده‌نگاران معتقدند که می‌توانند مسیرها و روندهای مهم آینده را کشف کنند و آنها را دریابند و برای آنها برنامه‌ریزی کنند. آنها ما را به روندها متوجه می‌سازند تا آینده را پیش‌بینی کنیم و برای آن آماده باشیم.

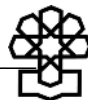
• **تصورات:** درخصوص آینده تصوراتی وجود دارد که به چه صورتی باشد. این تصورات از تجربیات افراد یک جامعه تأثیر می‌پذیرد.

• **کنش‌ها:** مردم براساس تصوراتی که در مورد آینده دارند عمل می‌کنند و تعدادی از این کنش‌ها و اعمال انسانی بر آینده اثر می‌گذارند.^۳

1. Slaughter, A. Richard,(2005),” Glossary of Futures Terms”, Knowledge Base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

2. Dator

3. Dator,J.(1993) Futures Studies and Sustainable Community Development, for the First World Futures- Creating Seminar: Renewing Community as Sustainable Global village, August1993,japan



طراحی آینده

اگر آینده‌پژوهی تناسب کاملی با مدل سنتی علم توصیفی نداشته باشد، آیا ممکن است که شکل جدیدی از نظریه انتقادی، ترکیبی از فراست علمی و نقد اجتماعی باشد که وظیفه رهایی‌بخشی آن قابل تقلیل به وظیفه فنی علوم طبیعی نیست؟ هربرت سیمون^۱ می‌گوید: این مسئله شک‌برانگیز است. کلید آینده‌پژوهی را باید در آن دسته از حوزه‌های پژوهشی جستجو کرد که سیمون^۲ علوم طراحی یا علوم مصنوعی می‌نامد. منظور از طراحی یا برنامه‌ریزی در مفهوم گسترده آن، هرگونه فعالیتی است که در آن ابزارهای بهینه به شیوه‌ای نظام‌مند به منظور دستیابی به اهداف پذیرفته شده بررسی می‌شوند. ممکن است هدف، ساخت یک مصنوع مادی همچون موتور یا ساختمان، سازمان اجتماعی، راه‌حل مسئله یا تصمیم‌گیری برای اقدام باشد. چنین فعالیتی از این منظر که هدف را باید مطلوب در نظر گرفت، ارزش‌محور است. از این زاویه که فرآیند کار توسط قوانین عمومی و کلی اقدام هدایت می‌شود، قانونمدار است. اما از نظر مفهومی باید این برنامه‌ریزی سازنده و حل مسئله را از پژوهش‌های علمی متمایز ساخت که هدف آن دانش جدید است.

این دیدگاه که آینده‌شناسی شکل جدید برنامه‌ریزی است، مطرح شده است:^۳ آینده را می‌توان پدیده‌ای در نظر گرفت که در نتیجه اقدام‌های انسان ساخته می‌شود. در این ارتباط، آینده‌پژوهی فعالیتی به هدف جستجوی دانش نیست، بلکه نوعی فناوری اجتماعی، مشابه حوزه محدودتر برنامه‌ریزی شهری است.

1. Simon

2. Simon, H.(1981). The Science of the Artificial. 2nd ed. Cambridge(MA): the MIT press.

3. Niiniluoto, I.(1999). Future Studies: Science or art, Futures Journal, no.33

آینده‌های شخصی^۱

قلمرو بسط نیافته آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی، آینده‌های شخصی است و تعدادی از آینده‌شناسان از قبیل دوژوونل (۱۹۶۷)، جانگ^۲ (۱۹۷۶) و بل (۱۹۹۷) تا حدودی به آن این اشاره کرده‌اند. ادبیات کمتری در حوزه آینده‌های شخصی وجود دارد. تعدادی از آینده‌شناسان سرشناس نظراتی در این مورد دارند که عبارتند از:

«توانایی کاربرد آینده‌نگاری برای انتخاب‌های معقول و خردمندانه یکی از قدرتمندترین توانایی‌های افراد می‌باشد».^۳

«رویکرد آینده‌محور می‌تواند مجموعه‌ای نو از ابزارها را برای افراد فراهم کند که این ابزارها در ساختن هویت و مسئولیت‌هایی که آنها بایستی در مدرنیته جدید برعهده بگیرند مفید باشد».^۴

... مردم در زندگی روزمره‌شان می‌توانند از رویکرد و دیدگاه آینده‌محور استفاده کنند برای کشف و خلق انتخاب‌هایی برای خودشان».^۵

«وظیفه مهم آینده‌پژوهی طراحی پارامترهایی از جهان مسحور یافته است و بیشتر مردم را به تحرک فعالی وادارد...».^۶

«فعالیت‌های آینده‌محور برای افراد، خانواده‌ها، اجتماعات، شرکت‌ها، حکومت‌ها-

1. Person Futures

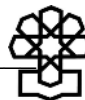
2. Jungk

3. Hayward, P. and Krishna,P.(2002) The Uses of Foresight in Everyday Life, Australian Foresight Institute Swineburne University of Technology.

4. Rubin, A.(2000) Growing Up in social Transition: In Search of Late modern identity, University of Turku, Finland.

5. Bell, W.(1997),Foundation of Futures Studies. New jersey: Transaction Publishers.Vol.1.

6. Slaughter.(1998)" Transcending Flatland: Some Implications of Ken Wilbur meta-Narrative for Futures Studies", Futures,30(10)993-1002.



برای هر کسی و هر گروهی مفید است».^۱

دتور^۲ معتقد است که آینده‌ها، خواه برای افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها، در نتیجه رابطه متقابل مابین رویدادها، روندها، تصویرها و کنش‌هاست.^۳ آنیتا رابین^۴ درباره اینکه افراد چگونه آینده‌های شخصی و توانایی‌هایشان را برای اثر گذاشتن بر آینده می‌بینند، تحقیقی انجام داده و به این نتیجه رسید که چطور جوانان این توانایی را در خود می‌بینند که آینده کشور و جهان را رقم بزنند؛ «بیشتر جوانان در همه گروه‌های سنی احساس می‌کردند که آینده‌شان در دستانشان است، اگرچه توانایی اثر گذاشتن بر آینده جهانی به نظر می‌رسد خارج از دسترس هر کسی است».^۵

کارگاه‌های آینده‌پژوهی^۶

«هدف کارگاه‌های آینده‌پژوهی این است که به مردم اجازه داده شود تا در آینده مرجح خودشان درگیر باشند و سهمی در آن داشته باشند به جای این که آنها به سادگی در معرض نظرات و عقاید متخصصان قرار بگیرند».^۷

رابرت جانگ اولین کارگاه آموزشی آینده‌پژوهی را در سال ۱۹۶۲ تأسیس کرد. این کارگاه‌های اولیه سازماندهی شده بودند تا مردم را دور هم جمع کنند تا مسائل اجتماع

1. Dator, J. (2000) "Forecasts Useful, Morally Right: An if-then Contingency Statement Can Help Society Can Help Society Make the Best Choices for Future Generations", Honolulu Advertiser.

2. Dator

3. Dator, J. (1996) "Futures Studies, Academia, and Decision Making", In Slaughter, R. (ed). New Thinking for a New Millennium.

4. Rubin

5. Rubin, A. (2000) Growing Up in social Transition: In Search of Late modern identity, University of Turku, Finland.

6. Futures Workshops

7. May, G. (1996) The Future is ours, Praeger Publishers, Westport CT.

را بفهمند و به آنها بپردازند.^۱ این کارگاه‌ها دارای مراحل بودند از قبیل:

- **مرحله مقدماتی:** شامل انتخاب موضوع، ترتیب مکان جلسات، معرفی رویداد یا دعوت از مشارکت‌کنندگان و سازماندهی مواد و ابزارهای مورد نیاز.
 - **مرحله نقد:** بحث در مورد مسئله‌ای که «همه شواهد و تجارب منفی مرتبط با مسئله منتخب گردآوری می‌شود».
 - **مرحله فانتزی:** ... همه مشارکت‌کنندگان در مورد مسئله ایده‌هایی دارند همراه با تمایلات، تخیلات و دیدگاه‌های بدیل.
 - **مرحله اجرا:** در این مرحله مشارکت‌کنندگان شانس‌های اجرای پروژه و طرح‌هایشان را ارزیابی و موانع را مشخص می‌کنند و به طور خلاقانه‌ای به دنبال راه‌هایی برای حل مسائل هستند تا برنامه و طرح کنش (عمل) را بریزند.^۲
- بنابراین روش و تکنیکی است که به گروه‌ها کمک می‌کند که بیشتر در مورد آینده‌های شخصی بدیل یاد بگیرند، در این روش از افراد می‌خواهند تا در حل مشکلات مربوط به اجتماع یا گروه‌شان نظر بدهند تا راه‌حل بهتری برای حل مسائل پیدا کنند.
- نقشه آینده:**^۳ استعاره‌ای است که به منظور توصیف هدف و نیت آینده‌پژوهی جهت تهیه راهنمای پیشبرد آینده به کار می‌رود. این مفهوم در نگاه اول مسئله‌ساز و پروبلماتیک به نظر می‌آید، اما وقتی در راستای مجموعه‌ای از پرسش‌های معطوف به آینده کوتاه‌مدت مدنظر گرفته می‌شود، معانی و مفاهیم بسیار می‌یابد. استمرارها و پیوستارهای اصلی کدامند؟ روندهای غالب کدامند؟ جدی‌ترین معضلات کدامند؟ عوامل

1. Jungk, R. (1976) The Everyman Project, Liveright, New York.

2. Jungk, R. and Mullert, N. (1987) Future Workshops: How to Create Desirable Futures, Institute for Social Inventions, London.

3. map of Future



مؤثر و جدید «مسیر حرکت به آینده» کدامند؟ اصلی‌ترین سرچشمه‌های الهام و امیدمان کدامند؟ پاسخ کیفی به پرسش‌های این چنین، دانش و معرفت تأویلی را به دست می‌دهد که می‌توان از آن در خلق و بهسازی «نقشه» یا «شمای ساختاری» آینده نزدیک یا آینده کوتاه‌مدت بهره گرفت.^۱

انجمن جهانی آینده:^۲ سازمانی آمریکایی است که روزنامه‌نگاری به نام «ادوارد کورنیش»^۳ آن را تأسیس کرد. این سازمان که در واشنگتن دی سی مستقر است، با بیش از ۳۰۰۰ عضو، بزرگترین سازمان آینده‌پژوهی جهان به‌شمار می‌آید. روزنامه‌ها و مجلاتی همچون «فیوچریست»،^۴ فصلنامه تحقیقات آینده‌اندیشی،^۵ و «نشریه پیمایش آینده»^۶ را منتشر می‌سازد. همایش‌های قابل توجهی را نیز در این باره برگزار می‌کند. همچنین، عرصه‌هایی را برای پیدایش و تشویق آینده‌اندیشی و پژوهش‌های حرفه‌ای مهیا می‌سازد. برای مثال، از پیاده‌سازی آینده‌نگاری در سطح دولتی حمایت می‌کند.^۷

فدراسیون جهانی آینده‌پژوهی:^۸ سازمانی کوچک اما پیشرو در اقدامات سیاسی و بین‌المللی است. حدود ۶۰۰ عضو دارد که اغلب آنان محققان فعال آینده‌پژوه هستند. دبیرخانه این سازمان هر چند سال در مکانی مستقر می‌شود. این سازمان خبرنامه‌ای رسمی را با نام «بولتن wfsf» به چاپ می‌رساند؛ همایش‌های بین‌المللی را در

1. Slaughter, A. Richard, (2005), "Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

2. World Future Society

3. Edward Cornish

4. Futurist

5. Futures Research quarterly

6. Futures Survey

7. Slaughter, A. Richard (2005), "Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

8. World Futures Studies Federation

کشورهای مختلف جهان بر پا می‌کند و با ارائه دروس آینده‌پژوهی برای دانش‌آموختگان اروپایی و آسیایی، آنان را با تحقیقات و مطالعات آینده آشنا می‌سازد.^۱

فصل دوم - آینده‌پژوهی و سیاستگذاری

تمایز آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری

آینده‌پژوهی، برنامه‌ریزی (Planning) و سیاستگذاری (Policy Making) هر سه به نحوی به آینده و به سازمان یا نهادی می‌پردازند که یک مطالعه آینده‌پژوهی را پیش می‌برد یا برای توسعه خود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری می‌کند. اگرچه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری خود دو زمینه جداگانه‌اند، اما در مقایسه با آینده‌پژوهی می‌توان آن دو را در یک سو و آینده‌پژوهی را در سوی دیگر قرار داد. برخی از تفاوت‌های کلیدی بین این مفاهیم به ترتیب زیر قابل ذکر است:^۲

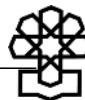
- دوره برنامه‌ریزی و سیاستگذاری (۱ تا ۵ سال) در مقایسه با دوره آینده‌پژوهی (۵ تا ۵۰ سال) کوتاه‌مدت است.

- برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بیشتر به پیش‌بینی آینده می‌پردازد، درحالی که آینده‌پژوهی بیشتر متوجه ساختن آینده است.

- آینده‌پژوهان پرسش‌های اساسی‌تری را مطرح می‌کنند و حتی پیش‌فرض‌ها را زیر سؤال می‌برند، درحالی که در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری معمولاً پیش‌فرض‌های

1. Slaughter, A. Richard,(2005),” Glossary of Futures Terms”, Knowledge Base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.

2. Inayatullah, Sohail,(2003), Methods and Epistemologies in Futures Studies, in Knowledge Base of Futures Studies. Australia: Foresight International.



اصلی سازمان از پیش پذیرفته می‌شوند.

- در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری، عامل کلیدی مدیریت سازمان است؛ به طوری که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران عمدتاً تلاش می‌کنند تا اهداف مدیریت را در برنامه‌های آینده پیگیری کنند، درحالی که در آینده‌پژوهی دیگر ذی‌نفعان مورد توجه و بررسی ویژه قرار می‌گیرند.

نیروهای مفهوم‌ساز در فرآیند آینده‌پژوهی

برای طراحی یک نقشه مفهومی نیازمندیم تا نیروهای مفهوم‌ساز را شناسایی کنیم. آینده‌پژوهی به بررسی تغییرات مداوم در علوم و فناوری و نیز در گرایش‌ها و ارزش‌های جامعه و تأثیر متقابل این عناصر با یکدیگر می‌پردازد. «نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک پیوسته جامعه را بازسازی می‌کنند و در مقابل، جامعه نیز خود را با نوآوری‌ها سازگار و آنها را مدیریت می‌کند و جهت آنها را تغییر می‌دهد»^۱. بنابراین کلیدی‌ترین نیروهای مفهوم‌ساز در آینده‌پژوهی علم و فناوری از یک سو و جامعه از سوی دیگر است.

علم و فناوری

درباره علم همواره این توافق کلی وجود داشته که رویکرد مناسبی برای فهم جهان و نیز ابزار مفیدی برای رفع نیازهای انسان است. علم، شناختی تهورآمیز فراهم می‌کند که توسط استانداردهای عقلانی و خردمندانه تأیید شده است. علم شامل روش‌های پذیرفته شده، انجام پژوهش و نیز نتایج پژوهش است و وظیفه دارد که حقایق را درباره جهان

1. Guston, David & Daniel Sarewitz(2005), Real- Time Technology Assessment. Elsevier Science.

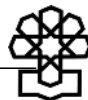
پیدا کند و بهترین درک ممکن از طبیعت و واقعیت را به ما ارائه دهد. ویلیام مک کوماس وظیفه تأمین امنیت را برای علم قائل است.^۱ او با ذکر علاقه بشر به احکام روشن و بیزاری او از ابهام و تعلیق، خطر خشنودی انسان از موفقیت‌های کوتاه‌مدت و سهل‌الوصول را یادآوری می‌کند و علم را که قادر به معرفی مضرات این گرایش‌ها و خرسندی‌های خطرناک است، ضامن نجات بشر بر می‌شمارد.

سیاست پژوهی و آینده‌نگری

علم سیاست‌گذاری یا سیاست‌پژوهی^۲ به تحلیل حوزه‌های مشخص سیاست‌گذاری (مثل بهداشت، حمل‌ونقل، منابع طبیعی، امور خارجی و...)، ارزیابی سیاست‌ها و مطالعه نتایج آنها، فرآیند سیاست‌گذاری‌ها و عوامل مؤثر بر آن، پیش‌بینی سیاست‌های جایگزین و مطالعه کارایی انواع ابزارهای ممکن در عرصه عمل سیاسی می‌پردازد. علوم سیاست‌گذاری یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است که به مطالعه سیاست‌ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های گوناگونی چون سیاست کشاورزی، سیاست تکنولوژیک، سیاست بهداشتی و... و همچنین زیرمجموعه‌های گوناگون هر یک از موارد می‌پردازد. سیاست‌پژوهی فرآیند انجام تحقیق یا تحلیل مسئله اجتماعی به منظور ارائه توصیه‌های عملی، به سیاست‌گذاران برای حل مسئله است. از آنجا که سیاست‌ها و برنامه عمل دولت‌ها، واحد تحلیل علوم سیاست‌گذاری را تشکیل می‌دهند، تنوع و تعدد این برنامه‌ها زمینه پژوهش و سیاست‌گذاری را در علوم سیاست‌گذاری بسیار وسیع و گسترده

1. McComas. William, (2000), The Nature of Science Education Rationales and Strategies. Kluwer Academic Publishers.

2. Policy Research



می‌کند و همین گستردگی است که راه پیوند سیاست و دیگر رشته‌های علمی از فیزیک، مکانیک، شیمی گرفته تا تعلیم و تربیت، اقتصاد، حقوق و کشاورزی را هموار می‌کند. راهبردهای مطالعه سیاست‌های دولتی توسط علوم سیاست‌گذاری، جنبه‌های مدیریتی، اداری و سازمان‌دهی را دربرمی‌گیرد. بنابراین سیاست‌پژوهی چندبُعدی است و از رویکرد تجربی - استقرایی سود می‌جوید.

فرآیند سیاست‌پژوهی مشتمل بر چهار مرحله عمده است که عبارتند از: آماده‌سازی، تحلیل تکنیکی، تحلیل توصیه‌ها و انتقال نتایج. حال باید گفت یک موضوع پایه‌ای برای انجام و آغاز فرآیند سیاست‌پژوهی مسئله آینده‌نگری است. در نظر داشتن چشم‌اندازهای آتی و دقت درباره کم‌وکیف شرایط پیش‌رو موجب می‌شود که فرآیند سیاست‌پژوهی با دقت و صحت بیشتری دنبال شود و سیاست‌گذاران بتوانند گزینه‌های بیشتر و مقرون به واقع‌تری را مورد بررسی قرار دهند. به سخن دیگر در حوزه سیاست‌گذاری، سیاستمداران از یک‌سو همواره موظف به ارزیابی نتایج تصمیمات و اقدامات خود بوده و هستند و ازسوی دیگر بایستی اشراف لازم را بر گزینه‌های در دسترس داشته باشند، بدین مناسبت لازم است با شرایط در حال وقوع آشنا باشند و این همه در پرتو آینده‌نگری میسر خواهد شد. آینده‌نگری یکی از لوازم سیاست‌گذاری به‌شمار می‌آید چون تصمیمات و اقدامات مبتنی بر شرایط آینده و پیش‌بینی آنها اتخاذ خواهد شد.^۱

1. Rose, Stephen, (1934) "Future Facts", Simon and Shuster press, new york.

الگوهای آینده‌نگر و پیشگویانه

۱. الگوی سیاست‌محور راهبردی

الف) گروه آینده‌نگاری‌های راهبردی (گسترده‌گی زیاد، شدت کم): آینده‌نگاری‌های راهبردی در مشارکت سنتی عمومی و ارزیابی جامعه، نهاد قدرت و سازمان‌ها شکل گرفته که مشتری نهایی آن نظام سیاسی است. محور اصلی فعالیت این گروه، شرکت‌کنندگان و اهداف آن، ایجاد شبکه‌های جدید و اشاعه اطلاعات در نزد نخبگان نظام سیاسی است. نمونه کلاسیک چنین آینده‌نگاری‌های سیاست‌محور، فعالیت آینده‌نگاری در انگلستان است که تعداد و تنوع افراد مسئولان سیاسی و حزبی در آن بسیار چشمگیر و غیرمنتظره بود. به‌نظر می‌رسد برحسب چرخه‌های یادگیری انجام چنین فعالیت‌های گسترده‌ای منجر به تبادل نظر مصرف‌کنندگان و طراحان آینده می‌شود. آینده‌نگاری‌های راهبردی فرآیندهای تصمیم‌گیری کاملاً جدیدی هستند که ممکن است قلمرو، پیچیدگی، هزینه و مخاطرات سیاسی موجب محدود شدن توسعه آنها شود، ولی ضرورت آن اجتناب‌ناپذیر است.

ب) گروه مرجع و تولید دانش (شدت و گسترده‌گی متوسط): فعالیت این گروه نیز مانند فعالیت‌های آینده‌نگاری‌های راهبردی، در سیاست‌گذاری علمی دولت و نوآوری‌های مهم رقم می‌خورد و دوایر گسترده‌ای از جامعه اعم از صنعت و دانشگاه را در بر می‌گیرند. لذا تمرکز آنها در سطوح بخشی بیشتر است که شاید این امر بدون آنکه با دشواری‌های مربوط به اندازه یا بزرگی مواجه شود، مزایای یک رویکرد گسترده را فراهم می‌سازد. در حال حاضر، این آینده‌نگاری‌ها در برخی کشورها مانند هلند و فنلاند به صورت رویه‌ای استاندارد درآمده‌اند.^۱

1. Duchy of Cornwall, (1983), Future Management of the Dartmoor Estate.



۲. الگوی تحلیل حرفه‌های آینده‌مدار

الف) گروه سناریوپردازان راهبردی (گسترده‌گی کم، تمرکز زیاد): این گروه به فعالیت توأمان راهبرد و تولید دانش همراه آن اهمیت فراوانی می‌دهند که منجر به چالش داده‌ای و الگویی و تبیین راهکار مناسب برای آن می‌شود. به عبارت دیگر، فعالیت‌های این گروه به طور مستقیم در بردارنده افراد خبره و معدودی است و در بهترین حالت آن، چند نماینده از گروه‌های نخبه دانشگاهی و سیاسی و جامعه منتخب و منتخبین در آینده می‌باشد. در اینجا بیشتر از هر چیز به کارایی چرخه‌های تولید دانش و کشف فضای آینده توجه می‌شود، چرا که هر مرحله شامل نوعی از الگوسازی کیفی یا کمی است.^۱ مکتب آینده‌نگاری در فرانسه نمونه‌ای کلاسیک از این گونه آینده‌نگاری در قالب سناریوپردازی راهبردی است که تمرکز محوری آن بر انسجام درونی و کیفیت باورپذیری سناریوها است. برون‌داد این فعالیت در قالب زیربنایی برای سیاستگذاری‌های امنیتی و یا یک راهبرد برای بازیگران صحنه سیاسی و اجتماعی بیان می‌شود.^۲

ب) گروه فناوری‌های کلیدی (گسترده‌گی نسبتاً کم، تمرکز متوسط و بیشتر): این گروه معرف و نمایانگر نگرشی سنتی‌تر به آینده‌نگاری است، چرا که ابعاد علوم و فناوری را کاملاً مستقل از ابعاد سیاسی و اجتماعی می‌بیند؛ البته این به معنای عدم بررسی معیارهای حوزه قدرت سیاسی نیست. چنین آینده‌نگاری‌هایی اغلب کاملاً تحلیلی و متمرکز عمل می‌کنند که بر مبنای آنها می‌توان برای تدوین برنامه‌های حوزه نانو تکنولوژی و فناوری‌های سنتی، اطلاعات بسیار ارزشمند را گردآوری کرد.

1. Munro. Andrew.(2005), Practical Succession: How to Future- Proof Your Organization.

2. Stephenson, Robert w.(1972), A Taxonomic Base for Future Management Information and Decision Systems: Management Information Systems.

آینده‌نگاری‌های صنعت‌محور، عمدتاً متمرکز بر فناوری‌های کلیدی و منحصر به فرد است که الگوی شکستن مرزهای دانش می‌تواند از این نوع محسوب شود.^۱

تجزیه و تحلیل مدل‌ها و الگوی آینده‌پژوهی

در الگوی فرآیند راهبردی و سیاست‌محور، نقش اصلی آینده‌نگاری، کسب اطمینان از تعامل و تبادل ایده‌های واقع‌گرایانه و نافذ در عرصه‌هایی است که بازیگران بخش دولت و جامعه در آنها حضور دارند. در این‌گونه آینده‌نگاری، هدف ایجاد شبکه‌های ترکیبی و غلبه بر مرزهای موجود قدرت است. به‌گونه‌ای که تعامل و مباحثه بین بازیگران دولتی و اجتماعی به معنی واقعی کلمه روی دهد و امکان حفظ و دوام قدرت سیاسی در آن فراهم باشد. لذا در بحث‌های حاکم بر این الگو هدف اصلی ایجاد پیوند بین موضوعات قدرت سیاسی با علم، پژوهش و نوآوری است؛ به گونه‌ای که در گام‌های اکتشافی فقط بر آینده‌های ممکن توجه نشود، بلکه آینده‌های مشترک که نوعی انسجام و اتحاد آحاد ملی و نظام منطقه‌ای و بین‌المللی در آن حضور پیدا کند نیز در نظر گرفته شوند؛ یعنی آینده‌هایی که همه بخش‌های سیاست و جامعه در آنها (آینده‌ها) جایگاه و سهمی دارند.^۲

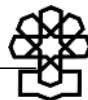
خاستگاه اخیر آینده‌پژوهی

ظهور و ضرورت حوزه آینده‌های مدرن

حوزه میدان‌های مدرن در دهه ۱۹۶۰ به منصفه ظهور رسید. ترجمه و چاپ کتاب تصویر

1. The Future Management of Technical College Education: A Report of the Dept. of Education. South Africa, Committee of Heads of Education Department.

2. Asking the right Question? The Future Management of Canada used Nuclear Management Organisation, 2003.



آینده^۱ پولاک^۲ در انگلستان در سال ۱۹۶۱ یکی از نشانه‌های اصلی و مهم این حوزه بود. پولاک مفهوم تصویر آینده را برای تجزیه و تحلیل فراز و نشیب‌های مدنیت به کار برد، درحالی که دو ژونل برای اولین بار بیشتر اصول آینده‌پژوهی را تشریح کرده است.^۳ نشانه‌های دیگر این حوزه جدید ایجاد جوامع حرفه‌ای بود. در سال ۱۹۶۶ برای مثال جامعه آینده جهانی توسط کورنیش و دیگران تأسیس شد که یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های آینده‌پژوهی در جهان است.

آینده‌نگری جامع

یک چارچوب آینده‌نگری جامع، پیچیدگی سیستم‌ها، زمینه‌ها و شبکه‌های در هم تنیده آگاهی و فعالیت را تصدیق می‌کند. همه اینها بر رفتار و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند و ساختارها و وقایع موجود در حوزه‌های مختلف فیزیکی، اجتماعی و روانشناسی را شکل می‌دهند. این چارچوب، همچنین یک چشم‌انداز بسط یافته را در بر می‌گیرد که دسترسی فردی و جمعی را به ساختارهای متفاوت آگاهی مورد شناسایی قرار می‌دهد. توسعه انسانی مقوله‌ای چند بُعدی بوده و اشکال در هم تنیده و قابل فهم دارد. از این منظر، روش‌های معینی برای فهم و پرداختن به ابعاد مختلف توسعه و از جمله فهم چگونگی تعامل این ابعاد مختلف وجود دارد.^۴

جوزف وروس^۵ آینده‌نگری جامع را این‌طور تعریف می‌کند: آینده‌نگری جامع، نوعی

1. The Image of Future

2. polka

3. Bell, Wendell. (1973) "an Overview of Futures Studies". Knowledge Base of Futures Studies.

4. Wilber, K. (2000), "Integral Psychology, Shambhala, Boston.

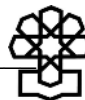
5. j.voros

رویکرد به مطالعات آینده‌نگری است که تلاش می‌کند تا بینش احتمالی جامع‌تری در مورد شناخت انسانی جستجو نماید و دریابد که چگونه این شناخت را می‌توان برای ایجاد چارچوب‌های تفسیری به کار بست تا ما را در فهم آینده‌های احتمالی پیش رویمان یاری نماید. او می‌افزاید مطالعات آینده‌نگری - به خاطر طبیعت و ماهیت خاص‌شان - فعالیتی کاملاً درون‌رشته‌ای، بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای است، بنابراین مطالعات مذکور با بکارگیری چارچوب‌های جامع و کلی‌تر سازگاری زیادی دارد.^۱ او چنین نتیجه می‌گیرد:

آینده‌نگری جامع، صرفاً یک چشم‌انداز خاص را اختیار نمی‌کند، بلکه گونه‌های متنوعی از چشم‌اندازها را مدنظر قرار می‌دهد. این نوع آینده‌نگری، محدود به یک نوع ابزار یا روش‌شناسی معینی نیست، بلکه برعکس از وجود یک جعبه ابزار کامل (دقیق و روشن) بهره می‌جوید. علاوه بر این رهیافت مذکور نشانگر آن است که راه‌های بسیاری برای فهم (پارادایم‌ها، عملکردها و روش‌شناسی‌های جستجوی شناخت) وجود دارد و اینکه هیچ پارادایم خاصی نمی‌تواند به تنهایی مسلط شود. مطالعات آینده‌نگری جامع، تمامی رویکردهای دقیق و عمیق را برای کسب شناخت در همه حوزه‌های فعالیت انسان، تأیید کرده و ارزشمند می‌داند. فعالیت‌هایی که هم مناسب و هم کارآمدند از جمله عقلانیت تحلیلی، بینش شهودی و الهام معنوی.^۲

1. Voros, j, (2003), AFI web site: <http://www.Swin.edu.au/afi> accessed 1/02/2003.

2. Voros, j, (2003), AFI web site: <http://www.Swin.edu.au/afi> accessed 1/02/2003.



فصل سوم - شاخص‌های آینده‌پژوهی حکومت

شاخص چیست؟

شاخص کمیتی است به‌عنوان نماینده کمیت‌های همگن متعدد. اعداد شاخص وسایل اندازه‌گیری، مقایسه و سنجش پدیده‌هایی هستند که دارای ماهیت مشخص و حداقل دارای یک خاصیت مشخص‌کننده می‌باشند. شاخص ابزاری برای مقایسه تغییرات یک پدیده در دو زمان متفاوت است.

شاخص‌های آینده‌پژوهی حکومت

با توجه به مسائل و چالش‌های موجود در سطح جهانی یا ملی از قبیل موج بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری، تغییرات جمعیتی و تغییرات آب و هوایی؛ نقش حکومت‌ها در برنامه‌ریزی برای جلوگیری یا کم کردن این مشکلات دارای اهمیت بیشتری خواهد بود.

حکومت سریع^۱ (خوش‌نما،^۲ چابک،^۳ کارآمد،^۴ فن‌محور^۵)

امروزه حکومت‌های پیشتاز و مهم خودشان را براساس آینده‌پژوهی به سازمان‌های چابک، کارآمد، خوش‌نما و فن‌محور تبدیل می‌کنند که اصطلاحاً به آنها حکومت‌های سریع گفته می‌شود. این حکومت‌ها خدمات عمومی جدید را بسط می‌دهند، به‌طور مؤثر نیازهای شهروندان را تأمین می‌کنند، از منابع نادر و کمیاب طبیعی حفاظت می‌کنند و

1. FAST Government
2. Flatter
3. Agile
4. Streamlined
5. Tech-enabled

ارزش‌های عمومی جدیدی را خلق و ایجاد می‌کنند.

سریع لزوماً به معنای سرعت نیست، اگرچه چارچوب زمانی برای اکثر تصمیمات ممکن است خیلی کوتاه باشد، ولی حکومت‌های سریع ارزش‌های حکومت مرکزی از قبیل شایستگی و لیاقت، برابری و انصاف، نظارت و تعادل، مسئولیت و صلاحیت اعمال قدرت را نادیده نمی‌گیرد.

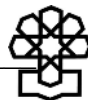
حکومت بایستی خوش‌نما باشد

حکومت‌ها به چهار شیوه می‌توانند خوش‌نما باشند که عبارتند از:

الف) تعهد و به کارگیری شهروندان:^۱ خوش‌نما در اینجا به معنی، کاهش فاصله بین حکومت و مردم از طریق استفاده و به کارگیری رسانه‌های اجتماعی، ابزارهای موبایل، ابزارهای طراحی؛ افزایش مشارکت شهروندان از طریق مشورت online، مشاوره‌ها، پیمایش‌ها و سایر شکل‌های ارتباطی؛ تعهد حکومت برای فراهم کردن داده‌های باز (آزاد) که شهروندان بتوانند به آنها (اطلاعات عمومی) دسترسی داشته باشند و آن را به شکل‌های الکترونیکی استفاده کنند.

ب) کارآیی اداری: کاهش لایه‌هایی در سلسله‌مراتب اداری بین مدیریت بالا و پرسنل و برداشتن نوار قرمز که محیط کار مشارکتی کمک می‌کند، فرآیند کسب‌وکار دوباره طراحی می‌شود و تحلیل‌گران کسب‌وکار در تصمیم‌گیری سریع‌تر عمل می‌کنند.

ج) فرآیندهای تصمیم‌گیری: فرآیند تصمیم‌گیری به دو صورت می‌تواند انجام بگیرد، یکی عمودی که در این حالت داده‌های جدید و فرآیندهای تحلیلی اطلاعاتی را



فراهم می‌کنند که توسط سیاستگذاران و سایرین مورد نیاز است و دیگری افقی که باعث ایجاد مشارکت و همکاری بین و در میان دپارتمان‌های حکومتی، آژانس‌ها و وزیران می‌شود.

د) همکاری و مشارکت بین و درون حکومتی: شبکه‌های بخش عمومی، سازمان‌های بخش غیرانتفاعی و خصوصی و سایر نهادهای دیگر حکومتی در قرن بیست‌ویکم برای حل مسائل دشوار و پیچیده، کسب منافع در مقیاس کلان و استفاده از ایده‌های نوآورانه مهم هستند و از اهمیت زیادی برخوردارند.

حکومت بایستی چابک و فرز باشد

چالاکي و انعطاف‌پذیری برای حکومت‌های نوآور و با نفوذ مهم و اساسی است. حکومت‌های موفق در سازماندهی منابع خصوصی و عمومی مهم برای مواجه شدن با چالش‌های پیش‌رو توانمند هستند. با وجود این هم حکومت‌ها بایستی در «سازمان‌زدایی» خودشان توانا باشند، هنگامی که ساختارها و فرآیندهای خاص دیگر مورد نیاز نیستند. این کار به نیروی کار چابکی نیاز دارد که این نیروی کار اصولاً مستلزم کارمندان و کارکنان متخصص با توانایی و ظرفیت‌های حل مسئله کلی است که مجهز به آگاهی تجاری و اطلاعات واقعی کار کردن در تیم‌ها و شبکه‌ها، غالباً با همکاری بخش خصوصی باشند.

چالاکي و انعطاف‌پذیری فرآیندها و ساختارهای سازمانی، مدل‌های خدمات‌رسانی، مستخدمین و سایر کارکنان دولتی در کار حکومتی و انعطاف‌پذیری در ساختارهای قانونی و نظم را در بر می‌گیرد.

حکومت بایستی کارآمد باشد

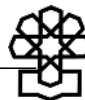
حکومت‌ها در قرن بیست‌ویکم در بسیاری از کشورها از طریق تقلیل در اندازه خدمات‌رسانی مدنی مشخص می‌شوند. در بسیاری از موارد این تقلیل‌های نیروی کار سخت، تنها در مدت زمان کوتاهی به موفقیت‌هایی دست می‌یابد. در واقع همه حکومت‌ها سطوح کارکنان خودشان را کاهش می‌دهند، اکثراً این کار بدون هیچ کاهش واقعی در سطوح خدمت‌رسانی انجام می‌گیرد.

تقلیل‌های نیروی کار برنامه‌ریزی شده با پیشرفت‌های سازمانی، تکنولوژیکی و نیروی کار همراه است و این در حکومت‌های سریع نهفته است و این نتیجه سازمان‌های کارآمدی است که در نظم جهانی جدید و نو پیشرفت کرده‌اند.

حکومت بایستی به لحاظ تکنیک و فن توانمند باشد

حکومت‌های آینده بایستی کاملاً به لحاظ فنی و تکنیکی توانا و دارای نیروی کار متخصص در این زمینه باشند. فرآیندها و چارچوب‌های سیاسی، قانونی و نظم بایستی دوباره طراحی شوند برای سازگاری با تغییر و تحولاتی که در جهان شبکه‌ای اتفاق می‌افتد. زیرساخت‌های اطلاعاتی بایستی حامی و پشتیبان شکل‌های جدیدی از همکاری و مشارکت و حاکمیت گسترده و اطلاعاتی باشند. حتی در فقیرترین مناطق، مثال‌های روشنی از نوآوری خدمات‌رسانی وجود دارد که از کاربرد تکنولوژی‌های بی‌سیم و تلفن ارزان ناشی شده است. حکومت‌های سریع‌تر با احتمال بیشتری انواع جدیدی از مستخدمین کشوری را جذب و نگهداری می‌کنند، کسانی که در حل مسائل، نوآوری و نتایج موفق هستند.^۱

1. The Future of Government, Lessons Learned from around the World, world Economic Forum, 2011, Global Agenda Council on the Future of Government, pp12-30.



حکومت جدید نیاز به سنجه‌ها و شاخص‌های جدید دارد: شاخص‌ها و معیارهای تحول حکومت^۱

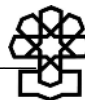
دامنه گسترده‌ای از شاخص‌های اجرایی برای ارزیابی عملکرد حکومت‌ها وجود دارد. اکنون حکومت‌ها در حال طراحی و اجرای این شاخص‌ها هستند که ما به آنها شاخص‌ها یا استانداردهای تحول حکومتی (MGT) می‌گوییم. در این گزارش، دو شیوه مکمل ارزیابی عملکرد حکومت‌ها پیشنهاد می‌شود که ضرورت دارد برای اطمینان از این که تعهد و مشارکت شهروندان در این تغییر و دگرگونی حکومتی حمایت و بهبود یابد، این شیوه‌ها با هم ترکیب شوند.

شاخص‌های تحول و دگرگونی حکومتی (MGT)

جدول زیر تعدادی از شاخص‌های تحول و دگرگونی حکومتی و ارزیابی پیشرفت همراه با چهار بُعد حکومت سریع (FAST) را نشان می‌دهد.

جدول شاخص‌های دگرگونی حکومت معطوف به آینده

ابعاد	چه چیزی باید اندازه گرفته شود یا بهبود یابد؟	شاخص‌های دشوار ممکن	شاخص‌های کیفی ممکن
خوش‌نما (Flatter)	<ul style="list-style-type: none"> بخش‌های حکومت بایستی با کاربران یا شهروندان با هم تعامل مشترکی داشته باشند. ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های حکومت محلی و مرکزی ارائه شواهد مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد کسب‌وکارهای جدید گواهی و تصدیق رویدادهای زندگی مسئولیت‌های شهرها مکانیسم‌های بازخورد Online استفاده از رسانه‌های جمعی در میان بخش‌های حکومتی و بخش عمومی 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از چگونگی حکومت خوش‌نما در میان شهروندان و کاسبکاران آگاهی و اطلاع از نزدیکی و مجاورت مابین حکومت و کاربران خدمات عمومی
چابک (Agile)	<ul style="list-style-type: none"> توانایی ساختارهای عمومی موجود برای انطباق و سازگاری و تغییر خودشان در مواجهه با تقاضاها و فرصت‌های جدید شواهد و مدارکی از رفتارهای نوآورانه در میان بخش‌های حکومت حساسیت در برابر انتظارات و نیازهای شهروندان و کاسبکاران 	<ul style="list-style-type: none"> ثبت و یادداشت خدمات جدید پیشنهاد شده در طول زمان ثبت و یادداشت هزینه و زمان مجموعه‌ای از خدمات معمول برای شهروندان و کاسبکاران (مثلاً بهبودهای این خدمات در طول یک سال) محتوای ابتکار عمل برنامه‌ها و داده‌های موجود حکومت 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از چگونگی حکومت چابک در میان شهروندان و تجار آگاهی و اطلاع از چگونگی یک حکومت نوآور و خلاق
کارآمد (streamlined)	<ul style="list-style-type: none"> سطح رضایت کارمندان از نتایج خدمات حکومت وجود شبکه‌ها و فرآیندهای مشترک در میان دپارتمان‌ها و خدمات عمومی کارآمدی و کارایی اداری 	<ul style="list-style-type: none"> کارمندان/برونداد (حجم و ارزش خدمات ارائه شده) محتوا و اندازه تدارک این خدمات، ابزارهای مدیریت HR، دانش و پایگاه داده مشترک در میان وزیران 	<ul style="list-style-type: none"> آگاهی از چگونه بودن حکومت کارآمد در میان شهروندان و تجار تصور جمعیت ملی از کارایی خدمات مدنی



ابعاد	چه چیزی باید اندازه گرفته شود یا بهبود یابد؟	شاخص‌های دشوار ممکن	شاخص‌های کیفی ممکن
توانمند در زمینه فن (Tech-Enabled)	<ul style="list-style-type: none"> • موجود بودن و در دسترس بودن ICT در حکومت • محتوای خدمات موجود Online حکومت • فراگیری شبکه‌های اجتماعی/ رسانه‌ای جدید در بخش عمومی • فناوری‌های خدمت‌گزاران مدنی 	<ul style="list-style-type: none"> • تجهیزات ICT، پهنای باند و خدمات موجود (شامل شبکه‌های اجتماعی) در حکومت اکنون • درصد خدمات online حکومت • تعداد شبکه‌های اجتماعی در G2C و G2B 	<ul style="list-style-type: none"> • آگاهی و اطلاع از حکومت توانمند در زمینه فنی (TECH) در میان شهروندان و تجار • تصور جمعیت ملی از نوآوری‌ها و فناوری‌های خادمین مدنی

Source: World Economic Forum, 2011¹.

معماری حکومت آینده^۲

تکوین و ظهور عصر اطلاعاتی که برای استفاده وسیع و گسترده ICT در همه حوزه‌های فعالیت انسانی قابل ملاحظه است، دو روند جدید را وارد حکومت و عملکرد حکومت کرده است. یکی از این روندها با بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها در انجام کارهای تفویض شده به حکومت‌ها برای خدمات‌رسانی بهتر به مردم مرتبط است. روند دیگر با انتقال و گذار حکمرانی حکومتی شهروندمدار - و کار محور مرتبط است، هنگامی که حکومت اساساً به عنوان تأمین‌کننده خدمات برای حوزه عمومی، شرکت‌ها و کارگزاران مدنی تلقی می‌شود. در این مورد استفاده از ICT نه تنها فرآیندهای سنتی اداره عمومی را بهبود می‌بخشد، بلکه فرصت‌های جدیدی را هم فراهم می‌کند.

در دهه‌های اخیر تعداد زیادی از پروژه‌های دولت الکترونیکی در چند کشور وجود داشته

1. The Future of Government, Lessons Learned from around the World, World Economic Forum, 2011, Global Agenda Council on the Future of Government. pp12-30.

2. Future Government Architecture

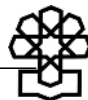
است. رویکرد سنتی برای ایجاد دولت و حکومت الکترونیکی برپایه استفاده از ICT برای حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های جداگانه آژانس‌های حکومتی با انسجام بیشتر منجر به تحولات مهمی نشده است. دلیل این است که عملکرد سنتی اداره عمومی در مرکز تعاملات حکومت با شهروندان و درگیری و مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری وجود ندارد.

راه حل کلیدی برای نظام حکمرانی دولتی مؤثر باید توجه به علایق و منافع شهروندان باشد تا نیازهای آنها، سنجه‌های ادراکات شهروندان از خدمات مجموعه ابزار محکمی برای این هدف است. تنها استراتژی برای نظام اداره عمومی، هماهنگ شدن با کاربرد وسیع ICT است که می‌تواند منجر به پیشرفت‌های عالی شود که شهروندان از آن برای ایجاد ارزش عمومی استفاده می‌کنند.

ابعاد خاص دولت الکترونیکی عبارتند از:

- **اطلاعات و معماری داده‌ها:** ترکیب داده‌هایی که برای حمایت و پشتیبانی از فرآیندهای اداری و اجرایی لازم است را تعیین می‌کند.
- **معماری عملکرد:** مجموعه‌ای از شاخص‌های کارآ و مؤثر اجرای خدمات‌رسانی عمومی و تهیه خدمات به شهروندان، مقامات اداری عمومی و تاجران برپایه ICT را مشخص می‌کند.
- **امنیت اطلاعات و معماری اعتماد:** نیاز حمایت و حفاظت مناسب از اطلاعات را در نظر می‌گیرد و اعتماد کاربران را به ICT تضمین می‌کند.
- **انسجام و معماری درون‌کارکردی:** ارتباط الکترونیکی بین نظام‌های اطلاعاتی مختلف را فراهم می‌کند و سازگاری و انسجام تکنولوژیکی، سازمانی، قانونی و معنایی را در نظر می‌گیرد.^۱

1. The Future of Government, Lessons Learned from around the World, World Economic Forum, 2011, Global Agenda Council on the Future of Government, pp12-30.



نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی در واقع شکل بخشیدن به آینده، متناسب با امیال و آرمان‌های فردی و سازمانی است. بر این مبنا هر آنچه قابل تصور باشد امکان‌پذیر است. به‌طور کلی آینده‌پژوهی به این موضوع می‌پردازد که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز واقعیت فردا متولد می‌شود. در واقع کار آینده‌پژوهی این است که با اتکا به توانایی‌های علمی و شهودی خود، از بین گزینه‌های متعدد آینده، یکی را برگزیند و از طریق روش‌های علمی گوناگون که روز به روز بر تعداد و تنوع آنها افزوده می‌شود یک آینده محتمل‌تر را تخمین بزند.

آینده‌پژوهی مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل، مطلوب، باورپذیر، دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده است. در این نگاه جدید، آینده‌پژوهی فقط به دنبال این نیست که بگوید کدام آینده‌ها ممکن هستند یعنی محال ذاتی نیستند؛ بعد از میان اینها کدام‌یک باورپذیر هستند؛ کدام‌یک از اینها احتمال وقوع بیشتری دارند و از میان این آینده‌هایی که احتمالاً واقع می‌شوند یا واقع نمی‌شوند، کدام آینده مطلوب ماست.

جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده است. تغییرات پنهان، غافلگیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم‌توجهی به آن می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد تلاش برای معماری آینده است.

کار آینده‌پژوهی به باور آینده‌پژوهان، یک کار تیمی و بین‌رشته‌ای با کمک تمام این متخصصان است. مطالعات آینده‌نگری - به دلیل طبیعت و ماهیت خاص‌شان - فعالیتی کاملاً درون‌رشته‌ای، بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای است، بنابراین مطالعات مذکور با بکارگیری چارچوب‌های جامع و کلی‌تر سازگاری زیادی دارند.

کسانی این باور را تقویت می‌کنند که اگرچه انسان نمی‌تواند آینده را بشناسد، اما حدس و گمان در مورد آینده هم معقول و هم ضروری است. در حقیقت آنان بیشتر ابعاد (آینده) را به‌عنوان امری شناخته شده تلقی می‌کنند، اگر این امر میسر نبود او نمی‌توانست هرگز هیچ طرح و پروژه‌ای را طراحی کند. بنابراین شناخت آینده برای ساختن آن اهمیت زیادی دارد و برای این شناخت انسان نیازمند شاخص‌هایی است، یکی از این شاخص‌ها، شاخص‌های آینده‌پژوهی در حکومت است.

با توجه به مسائل و چالش‌های موجود در سطح جهانی یا ملی از قبیل موج بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری، تغییرات جمعیتی و تغییرات آب و هوایی؛ نقش حکومت‌ها دارای اهمیت بیشتری در برنامه‌ریزی برای جلوگیری یا کم کردن این مشکلات خواهد بود.

امروزه حکومت‌های پیشتاز و مهم خودشان را با نگاهی به آینده و معطوف به آینده‌پژوهی به سازمان‌های چابک، کارآمد، خوش‌نما و فن‌محور تبدیل می‌کنند که اصطلاحاً به آنها حکومت‌های سریع گفته می‌شوند. این حکومت‌ها به واسطه کانون‌های تفکر و دانش‌های بنیادین در معماری و سیاست‌گذاری دولت‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند و خدمات عمومی جدید را بسط می‌دهند، به‌طور مؤثر نیازهای شهروندان را تأمین می‌کنند، از منابع نادر و کمیاب طبیعی حفاظت می‌کنند و ارزش‌های عمومی جدیدی



را خلق و ایجاد می‌کنند. لزوماً به معنای سرعت نیست، اگرچه چارچوب زمانی برای اکثر تصمیمات ممکن است خیلی کوتاه باشد و حکومت‌های سریع ارزش‌های حکومت مرکزی از قبیل شایستگی و لیاقت، برابری و انصاف، نظارت و تعادل، مسئولیت و صلاحیت اعمال قدرت را نادیده نمی‌گیرند.

بنابراین تعامل و ارتباط بین بخش‌های خصوصی و عمومی با نهادهای حکومتی باعث ایجاد اعتماد متقابل در آینده می‌شود و برای حل مسائل جامعه و حکومت به این تعاملات نیازمند است. فراهم کردن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در عصر اطلاعاتی در اکثر بخش‌ها یکی از تکالیف مهمی است که حکومت می‌تواند در این امر به این بخش‌ها کمک کند و باعث تسهیل روند جنبه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی برای جامعه سیاسی شود.^۱

منابع و مآخذ

1. Bell, W. (1997), Foundation of Futures Studies. New jersey: Transaction Publishers. Vol.1.
2. Bell, Wendell, (2003) "Foundations of Futures Studies". New Brunswick-New jersey, Transaction Publisher.
3. Bell, Wendell. (1973) "an overview of Futures Studies". Knowledge Base of Futures Studies.
4. Bood, R.P. and Postma, T., (1998), "scenario analysis as a strategic management tool". Research report som 9805, university of Groningen.
5. Baldock, Robert. (1999), Destination to z, the history of the Future, new york: john Wiley and sons.
6. Chermack, Thomas J. (2005), The role of systems theory in scenario

۱. البته ممکن است در حکومت‌هایی که آینده‌پژوهشی نقشی در آنها ندارد از این عنوان استفاده شود، ولی در واقعیت عملی نگرشی از سازمان چابک، کارآمد، خوش‌نما و فن‌محور دیده نمی‌شود. این موضوع به تفصیل در گزارش بعدی دنبال می‌شود.

- planning, Human Resource Development Review.
7. Dator, J. (1996) "Futures Studies, Academia, and Decision Making", In Slaughter, R. (ed). New Thinking for a New Millennium.
 8. Dator, J. (1993) Futures Studies and sustainable community development, for the first world futures- creating seminar: renewing community as sustainable global village, august 1993, japan.
 9. Dator, J. (2000) "Forecasts useful, morally right: An if-then contingency statement can help society can help society make the best choices for future generations", Honolulu Advertiser.
 10. Duchy of Cornwall, (1983), Future Management of the Dartmoor Estate.
 11. Ford, D.N. & J.D. (1998), Sterman. Expert knowledge elicitation to improve formal and mental models, system Dynamics Review, 14(4).
 12. Gavigan, P. James and Fabian Scapolo. (1999), matching methods to the mission: A comparison of national foresight exercises, Foresight , vol. 1, no. 6, December.
 13. Ged. Davis, (1997), Scenarios: Thinking and Action on the Future, London: Shell.
 14. Glenn, A. Basset, (1993), The Evolution and Future of High Performance Management Systems.
 15. Godet, M., (2006), "Creating Futures: scenario planning as a strategic management tool", France: Economic publish.
 16. Guston, David & Daniel Sarewitz, (2005), Real- time technology assessment. Elsevier Science.
 17. Hayward, P. and Krishna, P. (2002) The Uses of Foresight in Everyday Life, Australian Foresight Institute Swineburne University of Technology.
 18. Helm, Ruud van der. (2005), The Future according to fredrik Lodewijk polak: Finding the Roots of contemporary futures studies Futures, vol 37, issue 6, august, P505- 519.
 19. (HLEG) High level Expert Group (2002), Thinking The Future: Final Report. www.efmn.info/kb/thinking-debating-shaping.pdf.
 20. Inayatullah, Sohail, (2003), Methods and Epistemologies in Futures studies, in Knowledge Base of Futures Studies. Australia: Foresight international.
 21. Indicators of Sustainable Development Guideline & Methodologies, (2007), www.un.org/esa/sustdev.
 22. Jungk, R. (1976) The Everyman Project, Liveright, New York.
 23. Jungk, R. and Mullert, N. (1987) Future Workshops: How to Create



- Desirable Futures, Institute for social inventions, London.
- 24.Lind, G. Smoker.(1997), Introduction to Future Studies Scud.Edu.
 - 25.May, G.(1996) The Future is ours, Praeger Publishers, Westport CT.
 - 26.McComas. William, (2000), The Nature of Science Education Rationales and Strategies. Kluwer Academic Publishers.
 - 27.Munro. Andrew, (2005), Practical Succession: How to Future- Proof Your Organization.
 - 28.Niiniluoto,I.(1999). Future studies: science or art, Futures journal, no. 33.
 - 29.Rose, Stephen,(1934)" Future Facts", Simonand Shuster press, new york.
 - 30.Rubin, A.(2000) Growing Up in social Transition: In Search of Late modern identity, University of Turku, Finland.
 - 31.Simon, H. (1981). The science of the artificial.2nd ed. Cambridge (MA): the MIT press.
 - 32.Slaughter, R. (1996) .New thinking for a new Millennium j. Dator. chapter4:" Futures studies as Applied Knowledge" Routledge.
 - 33.Slaughter, A. Richard,(2005)," Glossary of Futures Terms", Knowledge base of Futures Studies, Series Editor, Foresight International, Brisbard.
 - 34.Slaughter.(1998)" Transcending Flatland: some implications of ken Wilbur meta- narrative for Futures Studies", Futures,30(10)993-1002.
 - 35.Stephenson, Robert w.(1972), A Taxonomic Base for Future Management Information and Decision Systems: Management information systems.
 36. The Future Management of Technical College Education: A Report of the Dept. of Education. South Africa, Committee of Heads of Education Department.
 - 37.Asking the right Question? The Future Management of Canada used nuclear Management Organisation, 2003.
 - 38.Wheelwright, R.V. (2005), Personal Futures: Foresight &Futures Studies for individual. Printed in Harlingen, texas.
 - 39.Wilber, K. (2000)," Integral psychology,Shambhala,Boston.
 - 40.Wilson, I., (2000)," From Scenario to strategic action". Technological forecasting and social change, 65(1), 23-29.
 - 41.Voros, j, (2003), AFI web site: <http://www.Swin.edu.au/afi> accessed1/02/2003.
 42. The future of government, Lessons Learned from around the world, world economic forum, 2011, Global agenda council on the future of government.pp12-30.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۸۴۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درآمدی بر شاخص‌های آینده‌پژوهی حکومت

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: حسن صالح‌نژاد

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: طاهره سیدمحمد

واژه‌های کلیدی:

۱. آینده‌پژوهی

۲. شاخص

۳. سیاستگذاری

۴. حکومت



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۲۲